

ارزیابی نظام ترویج کشاورزی ایران

راحله میرزائی، حسن صدیقی و پیمان فلسفی^۱

چکیده

هدف کلی این پژوهش ارزیابی نظام ترویج کشاورزی کشور می‌باشد. برای گردآوری داده‌ها از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. روایی پرسشنامه توسط پانل متخصصان و صاحب‌نظران ترویج کشاورزی مورد تأیید قرار گرفت. ضریب اعتبار پرسشنامه نیز با استفاده از آزمون کرونباخ آلفا برابر ۰/۷۹ بدست آمد. جامعه آماری شامل کلیه کارگزاران ترویج (کارشناسان دارای پست کارشناسی و مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر) شاغل در معاونت ترویج و نظام بهره برداری می‌باشند که در شش اداره یا دفتر جداگانه، ستاد معاونت و گروه تلویزیونی جهاد مشغول به کار هستند ($N=242$). از این میان تعداد ۱۵۹ نفر با استفاده از جدول کرجیک و مورگان (۱۹۷۰) به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای بعنوان نمونه آماری انتخاب شدند و در نهایت ۱۴۷ پرسشنامه جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شد ($n=147$). نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که خدمات ترویج کشاورزی از لحاظ فعالیت‌های ترویجی نسبت به سایر مؤلفه‌ها (ساختار تشکیلاتی و اجرایی، ارزشیابی و نظارت، پیوند ترویج با سایر مؤسسات و برنامه ریزی) دارای وضعیت بهتری می‌باشد به طوری که این نظام در فعالیت‌های ترویجی (پوشش آموزشی و ترویجی، استفاده از روش‌های آموزشی مؤثر و تناسب محتوای برنامه با زمینه فعالیت کشاورزان) بیشترین موفقیت و در برنامه ریزی کمترین میزان موفقیت را داشته است. همچنین یافته‌ها نشان داد که هر چه سطح تحصیلی کارشناسان افزایش یافته، دیدگاه آنان نسبت به فعالیت‌های ترویجی نامساعدتر شده است. متغیرهای مستقل سابقه کار، سن افراد و رضایت شغلی آنان در مجموع می‌توانند ۳۳/۳ درصد از دیدگاه کارگزاران را نسبت به وضعیت نظام ترویج کشاورزی ایران پیش بینی نمایند. در ارزیابی کلی نظام ترویج ایران، اکثریت کارگزاران (۸۴٪)، بازنگری اساسی در نظام ترویج ایران را تأیید نموده‌اند.

واژه های کلیدی: ارزیابی، کارگزاران، ترویج کشاورزی، ایران.

۱ - به ترتیب دانشجوی کارشناسی ارشد و دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس، ایران؛ و استادیار و عضو هیأت علمی وزارت جهاد کشاورزی، ایران (r_mirzaei56@yahoo.com).

مقدمه

نظام ترویج کشاورزی یکی از ابزارهای اولیه انتشار فن‌آوری‌های پیشرفته بوده و بطور قطع، نقش مهمی در فرآیند توسعه بویژه توسعه روستایی ایفاء می‌کند (دبیرخانه تدوین طرح جامع نظام ترویج ایران، ۱۳۸۱). از دیدگاه سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (۱۳۷۰) ترویج کشاورزی، یک نوع خدمت یا نظامی است که از طریق روش‌های آموزشی مردم کشاورز را یاری می‌کند تا روش‌ها و تکنیک‌های مرسوم کشاورزی خود را اصلاح نموده، و کارآیی و بازدهی تولید خود را افزایش دهند.

یکی از عمده‌ترین دلایل عدم توفیق استراتژی‌های توسعه در گذشته، عدم تشخیص اهمیت ترویج و سازه‌های نهادی و انسانی در توسعه هماهنگ جوامع روستایی بوده است. نظام ترویج یکی از نهادهای اساسی برای تحول نهادی و انسانی در جامعه روستایی به شمار می‌رود. از آنجا که اکثر کشورهای در حال توسعه دارای یک اقتصاد روستایی می‌باشند، عاملین ترویج در زمینه توسعه این کشورها، نقش حیاتی ایفا می‌کنند (Tuttle et al., 2006).

در کشورهای توسعه یافته، ترویج به عنوان یکی از منابع اطلاعاتی برای کشاورزان مطرح گردیده، حال آنکه در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران فقدان منابع اطلاعاتی متنوع، به خدمات ترویج نقشی حیاتی در نشر فن‌آوری‌های نوین و حل مسائل کشاورزان داده است.

ترویج فرآیندی است مستمر، مداوم و پویا که محتوا و عرصه فعالیت‌های آن به طور مداوم و بر اساس نیازهای روز افزون در حال تغییر است. از طرفی در رابطه با مسائل ترویجی، الگوهای غربی و وارداتی جوابگوی نیاز کشور ایران نخواهد بود، لذا تغییر مداوم در این نظام پویا بر اساس مقتضیات روز و فرهنگ خاص کشور (با وجود مسائل و مشکلات خاص) زمینه‌های فراوانی برای مطالعه نظام ترویج و مسائل پیش رو ایجاد می‌کند.

به طور کلی، ترویج کشاورزی متعارفی مستقر در وزارتخانه‌های دولتی که عمدتاً در کشورهای در حال توسعه وجود دارد، دارای ویژگی‌های ذیل می‌باشد: الف) نظام ترویج دولتی، چند منظوره و چند عملکردی است، ب) آموزش کارکنان صحرایی، بسیار محدود می‌باشد،

ج) بیست و پنج درصد وقت مروجین کشاورزی در کارهای غیر آموزشی صرف می‌شود، و د) نظام ترویج کشاورزی توجه زیادی به کشاورزان مرفه و پیشرو دارد (برنامه توسعه سازمان ملل، ۱۳۷۶). بیشتر نظام‌های ترویجی در کشورهای در حال توسعه فاقد منابع کافی مالی برای جذب پرسنل ورزیده و اجرای برنامه‌های اثر بخش می‌باشند (سوان سون و همکاران، ۱۳۸۱). به طوری که یکی از جدی‌ترین موانع توسعه روستایی در این کشورها کمبود مروجین آموزش دیده است که باید مورد توجه قرار گیرد (آدامز، ۱۳۷۸). مدیریت در این نظام‌ها از نوع بالا به پایین است و معمولاً داده‌های محدودی از سوی زارعان وارد این نظام می‌شود (شریف زاده، ۱۳۸۱).

از آنجا که ترویج کشاورزی التزام مالی عمده‌ای را برای کشورهای در حال توسعه ایجاد می‌کند، بنابراین بسیار مهم است که این نظام‌ها کاملاً در خدمت اهداف توسعه کشاورزی و روستایی این کشورها قرار گیرند (برنامه توسعه سازمان ملل، ۱۳۷۶).

نظام ترویج ایران با حدود ۶۰ سال سابقه فعالیت، هنوز دارای برخی مشکلات، موانع و محدودیت‌ها است. علاوه بر ضعف بنیان قانونی ترویج، مشکل اساسی این نظام، فقدان مهارت کارکنان، بویژه کارکنان میدانی برای برآوردن خواسته‌های مخاطبان است (Anonymous, 2004). در نتیجه طی این سال‌ها در ارائه خدمات به کشاورزان آن طور که باید، موفق و رضایت بخش نبوده است (Karbasioun and Mulder, 2004). با توجه به مشکلات و محدودیت‌های موجود، نظام ترویج کشاورزی ایران نیازمند بازنگری، تحول و بازسازی می‌باشد (شعبانعلی فمی و همکاران، ۱۳۸۳؛ امیرانی، ۱۳۸۱). کرمی دهکردی (۱۳۷۷) مناسب‌ترین نظام ترویج کشاورزی ایران را نظامی مبتنی بر علم و عمل با استفاده از تجارب افراد مجرب، دوجانبه و مبتنی بر نگرش انسان‌گرایانه می‌داند.

امروزه تقریباً مسلم شده که ترویج کشاورزی زمانی عملکردی اثر بخش خواهد داشت که در قالب یک نظام فعالیت نماید (Jones and Garforth, 1997). از طرفی همانطور که ریورا و الکس (Rivera and Alex, 2004) به

محلی، توجه به مخاطبین جوان روستایی و مولدان کوچک و متوسط، ارتباط بین ترویج و بهره برداران، ارتباط ترویج و تحقیق، تناسب نوآوری‌ها با واحدهای متوسط و کوچک بسیار حائز اهمیت می‌باشند (حیدری، ۱۳۸۲). از آنجا که تحقیق و ترویج کشاورزی قسمتی از یک فرآیند مشابه هستند و هدف نهایی مشترکی دارند، پیوند بین آنها برای رسیدن به اهداف مشترکشان ضروری بوده و اهمیت و ضرورت چنین پیوندی به طور کامل شناخته شده است (شیرزاد، ۱۳۸۵). از طرفی برقراری یک ارتباط موثر بین تحقیقات و مخاطبین آن یعنی برگرداندن مستمر نتایج تحقیقاتی در قالب پیامهایی که متناسب با مخاطبین ویژه آن باشد بسیار حیاتی است (منفرد، ۱۳۸۳). چنانچه پیوند مناسب و قوی بین ترویج، تحقیق و بهره‌برداران برقرار نباشد، ترویج با اتکاء به بضاعت و معلومات خود خواهد کوشید تا برنامه‌های آموزشی خود را به مرحله اجرا در آورد و تحقیق هم عملاً مشغول طرح و اجرای برنامه‌های تحقیقاتی خود خواهد بود (اسکندری، ۱۳۸۰). البته در حال حاضر، طرح تسریع انتقال یافته‌ها که در وزارت جهاد کشاورزی در حال اجراست سعی در رفع چنین نارسایی‌هایی دارد.

نوسازی در ارائه خدمات ترویجی بر دولت و کشاورزان اثرگذار خواهد بود و می‌تواند در کاهش مسئولیت‌های سازمان ترویج، بهبود تعهدات و کاهش تصمیمات تصادفی مؤثر باشد (Scrimgeour, 1993). به طور کلی سازمان‌های ترویجی می‌توانند برای جوامع و کشاورزان از طریق اجرای نقش‌های متفاوت، نسبت به نقش‌های گذشته مفید باشند. این امر به یک تغییر بزرگ در سازمان‌های ترویجی نیاز دارد (Van den Ban, 1988). از این رو برای کنترل تغییرات در جهت اصلاح نظام ترویج، شناسایی و بررسی همه جانبه نظام، امری ضروری و اجتناب ناپذیر می‌باشد. بر اساس این ضرورت، مطالعه و ارزیابی وضعیت موجود ترویج کشاورزی ایران و ترسیم ویژگی‌های لازم برای طراحی نظام نوین ترویج کشاورزی در کشور بیش از پیش احساس می‌گردد. کرمی دهکردی (۱۳۷۷) و ملک محمدی (۱۳۸۰) اعتقاد دارند که این ارزیابی باید در ارکان نظام ترویج کشاورزی ایران یعنی نوع ویژگی‌های

آن اشاره می‌کند، ترویج بخش عمومی هرگز به تنهایی توان تأمین تمام تقاضای کشاورزان جهان برای خدمات ترویج را نخواهد داشت. از این رو در برخی کشورهای توسعه یافته و در کشورهایی که اصلاحاتی در ترویج پیاده کرده‌اند، ترکیب پیچیده چندگانه‌ای از تأمین کنندگان ترویج وجود دارد. اما در کشور ما صرف نظر از تعداد محدودی واحدهای فعال، خدمات ترویج کشاورزی عمدتاً به صورت دولتی ارائه شده‌اند که وزارت جهاد کشاورزی مسئول اینگونه فعالیت‌ها می‌باشد (Qamar, 2001). در جریان ادغام وزارت کشاورزی و وزارت جهاد سازندگی در سال ۱۳۷۹، معاونت ترویج و نظام بهره‌بردار با ۱۶ دفتر ادغام و وظایف خود را در سه محور ترویج کشاورزی، مشارکت مردمی و نظام بهره‌بردار شروع کرده است (دانشوری، ۱۳۸۴). به طور کلی عمده‌ترین ویژگی‌های نظام ترویج کشاورزی ایران عبارتند از: تعریف و برداشت نادرست از نقش ترویج، برتری ایده انتقال تکنولوژی در فعالیت‌ها، موازی کاری نهادها در سطوح اجرایی ترویج (Qamar, 2001)، عدم واگذاری مسئولیت‌ها و اختیارات به تناسب هم و فقدان شبکه گسترده ترویجی با پوشش کافی برای مخاطبان. در حالی که بر حسب تعداد خانوار روستایی نیاز به ۱۰۹۸۳ نفر مروج و بر حسب سطح زیر کشت نیاز به ۱۲۸۱۶ نفر مروج می‌باشد این تعداد در حال حاضر ۷۶۶۳ نفر است (معاونت ترویج و نظام بهره‌بردار، ۱۳۸۴). اسدی روستایی (۱۳۸۰) بیان می‌کند که ترویج کشاورزی ایران در وضعیت نامطلوبی قرار دارد و هنوز نتوانسته است از لحاظ انتخاب رهیافت و شیوه‌های ترویجی، تدوین اهداف و وظایف، سازماندهی ساختار و تشکیلات، خود را رشد دهد. تقریباً ۳۲ درصد خبرگان ترویج (مسئولان قسمت‌ها، کارشناسان ارشد و کارشناسان سازمان مرکزی ترویج کشاورزی) تغییرات نظام ترویج ایران طی سه دهه گذشته را منفی ارزیابی می‌کنند و تغییر پی در پی مسئول سازمان ترویج کشاورزی را از عوامل تأثیرگذار بر آن می‌دانند.

با عنایت به ویژگی‌های نظام ترویج ایران، توجه به مواردی نظیر اصول توسعه پایدار، در نظر گرفتن نیازهای

شدند. این شاخص‌ها شامل: برنامه ریزی (۶ گویه)، ساختار تشکیلاتی و اجرایی (۹ گویه)، ارزشیابی و نظارت (۵ گویه)، پیوند ترویج با دیگر مؤسسات و نهادها (۸ گویه) و فعالیت‌های ترویجی (۱۵ گویه) می‌باشند. به منظور سنجش هر یک از این شاخص‌ها، از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است که در آن عدد ۱ نشان‌دهنده کمترین میزان و عدد ۵ بیانگر بیشترین میزان است.

به منظور توصیف کیفی متغیرهای: برنامه ریزی، ساختار تشکیلاتی، ارزشیابی و نظارت، پیوند با سایر مؤسسات و فعالیت‌های ترویجی از روش Interval of Standard Deviation from the Mean (ISDM) (صدیقی و روستا، ۱۳۸۴). در این روش نحوه تبدیل امتیازات کسب شده به چهار سطح به شرح ذیل برآورد شد:

A=ضعیف: $A < \text{Mean} - Sd$

B=متوسط: $\text{Mean} - Sd < B < \text{Mean}$

C=خوب: $\text{Mean} < C < \text{Mean} + Sd$

D=عالی: $\text{Mean} + Sd < D$

روایی ظاهری (Face validity) و محتوایی (Content Validity) ابزار تحقیق با استفاده از نظرات پانل متخصصان (Panel of Experts) و پس از انجام اصلاحات لازم تعیین شد. همچنین نظرات اصلاحی تعداد ۳۰ نفر از افراد جامعه آماری که در مرحله نمونه‌گیری محسوب نگردیدند، نیز مورد نظر قرار گرفت. جهت تعیین پایایی ابزار تحقیق، روش آلفای کرونباخ برای مقیاس مورد استفاده در پژوهش برابر با ۰/۷۹ به دست آمد که نشانگر پایایی قابل قبول متغیرهای پرسشنامه بود و بدین ترتیب، محتوای پرسشنامه، مورد تأیید و در اختیار پاسخگویان قرار داده شد که از آن بین، ۱۴۷ فقره پرسشنامه تکمیل و اعاده و با کاربرد نرم افزار SPSS پردازش و تحلیل گردید (کلانتری، ۱۳۸۲).

بهره برداران، محتوا و عرصه ترویج، روش‌های ترویجی، فن آوری نشر، سازمان و مدیریت و عواملان اجرایی صورت بگیرد. بدین لحاظ، هدف کلی تحقیق حاضر، ارزیابی نظام ترویج کشاورزی کشور می‌باشد. موضوع تحقیق حاضر از این جهت اهمیت دارد که ارزیابی همه جانبه نظام ترویج کشاورزی ایران در تعیین نقاط ضعف و قوت نظام کنونی ترویج و بویژه شناسایی کاستیهای نظام و در نهایت ارائه پیشنهادات لازم جهت بازنگری و اعمال اصلاحات در نظام ترویج کشاورزی مفید و مؤثر خواهد بود.

روش پژوهش

این تحقیق از نظر ماهیت، از نوع پژوهش‌های کمی، از نظر هدف در زمره تحقیقات کاربردی و از جهت روش، توصیفی - همبستگی به شمار می‌آید. جامعه آماری تحقیق حاضر را کارگزاران ترویج وزارت جهاد کشاورزی تشکیل می‌دهند (N=۲۴۲). منظور از کارگزاران ترویج آن دسته از کارمندان شاغل در معاونت ترویج و نظام بهره برداری وزارت جهاد کشاورزی هستند که دارای تحصیلاتی در مقاطع مختلف بوده و به عنوان کارشناس ترویج و آموزش کشاورزی مشغول به کار می‌باشند. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است که ادارات معاونت ترویج (شش اداره، ستاد معاونت و گروه تلویزیونی جهاد) طبقات جامعه آماری را تشکیل می‌دهند. برای تعیین حجم نمونه از جامعه آماری از جدول کرجسی و مورگان (Krejcie and Morgan, 1970) استفاده شد و حجم نمونه ۱۵۹ نفر برآورد گردید، سپس نسبت به بزرگی هر طبقه این نمونه بین آنها تقسیم و در نهایت ۱۴۷ پرسشنامه تکمیل شد (n=۱۴۷).

ابزار اصلی گردآوری اطلاعات، پرسشنامه‌ای مشتمل بر دو بخش ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان و ویژگی‌های نظام ترویج ایران (از دیدگاه کارشناسان) می‌باشد که توسط محققان طراحی و تدوین شده است. برای سنجش ویژگی‌های نظام با استفاده از مرور ادبیاتی و تجارب جهانی (سوانسون و همکاران، ۱۳۸۱؛ کرمی دهکردی، ۱۳۷۷؛ ملک محمدی، ۱۳۸۰؛ زمانی پور، ۱۳۸۰) پنج ویژگی بعنوان شاخص‌های اندازه‌گیری انتخاب

یافته‌ها و بحث

الف- ویژگی‌های شخصی و حرفه‌ای پاسخگویان

نتایج تحقیق، نشان داد که میانگین سنی پاسخگویان حدوداً ۴۱ سال می‌باشد و حدود نیمی از آنها (۴۸/۳٪) در گروه سنی ۳۵-۴۵ سال قرار دارند. در حدود نیمی از افراد دارای سابقه کاری بین ۱۰ تا ۲۰ سال بوده و ۲۱/۱٪ آنها سابقه‌ای کمتر از ۱۰ سال دارند. بطورکلی سابقه کاری افراد دارای میانگینی در حدود ۱۶ سال است. این در حالی است که نگاهی به سابقه کار افراد در حوزه ترویج بیانگر آنست که میانگین سابقه فعالیت ترویجی آنان در حدود ۱۳/۵ سال و تقریباً نیمی از افراد (۴۸/۳٪) دارای سابقه کار ترویجی بین ۱۰ تا ۲۰ سال می‌باشند (جدول ۱). تقریباً ۶۰ درصد افراد مورد مطالعه، سطح تحصیلات خود را کارشناسی ارشد، ۳۷ درصد کارشناسی و ۵ درصد

دکتری ذکر کرده‌اند. بررسی رشته تحصیلی پاسخگویان نشان داد که ۳۹/۵ درصد رشته تحصیلی افراد، ترویج و آموزش کشاورزی، ۲۹/۹ درصد سایر رشته‌های کشاورزی و رشته تحصیلی مابقی (۳۰/۶٪) رشته‌های غیر کشاورزی می‌باشد.

ب- ارزیابی نظام فعلی ترویج کشاورزی ایران

برای سنجش دیدگاه کارگزاران ترویج نسبت به وضعیت موجود نظام ترویج کشاورزی، همانطور که در بخش روش تحقیق ذکر شد از ۵ شاخص یا مؤلفه برنامه ریزی، ساختار تشکیلاتی، ارزشیابی و نظارت، پیوند با سایر مؤسسات و فعالیت‌های ترویجی استفاده شده است. جدول ۲ میانگین و رتبه هر شاخص را مربوط به ویژگی‌های نظام ترویج ایران از دیدگاه کارگزاران نشان می‌دهد.

جدول ۱- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب ویژگی‌های شخصی و حرفه‌ای (n=۱۴۷)

متغیر	گروه	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
سن	۳۵ ساله و کمتر از آن	۵۳	۳۶/۱	۳۶/۱
	بین ۳۵-۴۵ سال	۷۱	۴۸/۳	۸۴/۴
	۴۵ ساله و بیشتر از آن	۲۳	۱۵/۶	۱۰۰
	جمع	۱۴۷	۱۰۰	-
	Mean: ۴۰/۹	Min: ۳۰	Max: ۵۴	Sd: ۵/۹۱۳
سابقه خدمت	۱۰ سال و کمتر از آن	۳۱	۲۱/۱	۲۱/۱
	بین ۱۰-۲۰ سال	۷۳	۴۹/۷	۷۰/۷
	۲۰ سال و بیشتر از آن	۴۳	۲۹/۳	۱۰۰
	جمع	۱۴۷	۱۰۰	-
	Mean: ۱۶/۱۴	Min: ۲	Max: ۳۰	Sd: ۶/۶۳۸
سابقه خدمت در حوزه ترویج و آموزش	۱۰ سال و کمتر از آن	۵۳	۳۶/۱	۳۶/۱
	بین ۱۰-۲۰ سال	۷۱	۴۸/۳	۸۴/۴
	۲۰ سال و بیشتر از آن	۲۳	۱۵/۶	۱۰۰
	جمع	۱۴۷	۱۰۰	-
	Mean: ۱۳/۴۳	Min: ۲	Max: ۳۰	Sd: ۶/۱۶۰

جدول ۲- دیدگاه کارگزاران نسبت به وضعیت نظام ترویج کشاورزی ایران (n=۱۴۷)

رتبه [†]	انحراف معیار	میانگین	مؤلفه ها
۱	۰/۸۷۴	۳/۱۰	فعالیت‌های ترویجی
۲	۰/۷۴۵	۲/۲۶	ساختار تشکیلاتی
۳	۰/۸۰۹	۲/۱۸	ارزشیابی و نظارت
۴	۰/۷۳۷	۲/۰۹	پیوند با سایر مؤسسات
۵	۰/۷۳۳	۱/۹۹	برنامه ریزی
	۰/۹۷	۲/۳۸	دیدگاه کلی

†: ۱=کمترین امتیاز، ...، ۵=بیشترین امتیاز

(احمدوند و همکاران، ۱۳۸۴). بنابراین تدوین راهبرد ملی و اهداف فراگیر برای نظام ترویج و همچنین جلب مشارکت کشاورزان در تدوین برنامه‌ها، یک ضرورت است. از طرفی بیش از ۵۰٪ پاسخگویان، ساختار تشکیلاتی و اجرایی نظام ترویج ایران را در حد متوسط به پایین ارزیابی نموده‌اند و تنها ۳۶ درصد، آن را خوب ارزیابی کرده‌اند. بدین معنی که از دیدگاه کارگزاران ترویج، نظام ترویج ایران به لحاظ تفویض اختیار به استانها برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای، برقراری ارتباط و هماهنگی بین سطوح مختلف ملی تا عملیاتی و همچنین استقرار عوامل ترویجی در سطوح عملیاتی در مقایسه با سطح ملی و استانی موفقیت چندانی نداشته است. به عقیده بونال (Bonnal, 1998) نیز، تمرکززدایی در خدمات ترویجی و تجدید ساختار در برنامه‌ریزی‌ها و سازماندهی فعالیت‌های مشاوره‌ای و ترویجی از روندهای قرن بیست و یکم برای ترویج و آموزش کشاورزی به شمار می‌رود. از طرفی عده‌ای معتقدند تمرکززدایی، با توجه به پایداری و بحران‌های زیست محیطی و تجدید ساختار، باید در جهت مشارکت هر چه بیشتر کشاورزان و گروه‌های آنها در برنامه‌های ترویج و آموزش کشاورزی لحاظ شود (Willett et al., 2003). اکثر کارگزاران (۳/۳۶٪)، ارزشیابی و نظارت را در حد متوسط و کمترین افراد (۲/۱۳٪) آن را در حد خیلی خوب توصیف نموده‌اند. از دیدگاه کارگزاران، به ارزشیابی برنامه‌ها در حین اجرای برنامه، ارزشیابی پیامد اجرای برنامه‌ها و استفاده از نتایج

گروه‌بندی پاسخگویان از لحاظ دیدگاه نسبت به هر یک از مؤلفه‌های نظام ترویج با فرمول ذکر شده در بخش روش تحقیق به دست آمد. همان‌طور که شرح داده شد، دیدگاه نسبت به هر یک از مؤلفه‌های نظام ترویج به چهار سطح تقسیم شد. یافته‌های حاصل از جدول ۳ نشان می‌دهد که دیدگاه درصد قابل توجهی از کارگزاران (۶۱/۲٪) در مورد وضعیت برنامه ریزی در نظام ترویج فعلی ایران در حد متوسط و ضعیف می‌باشد و نکته قابل توجه این است که حدود یک چهارم پاسخگویان اعلام کردند که نظام ترویج ایران به لحاظ برنامه‌ریزی موفقیت‌ناچیزی داشته است و این مسأله قابل توجهی بوده و بیانگر این مطلب می‌باشد که نظام کنونی ترویج در جهت تدوین راهبرد ملی و اهداف فراگیر، تجدید نظر در خط مشی‌ها بر مبنای موضوعات و مسائل جدید و نیز اهمیت دادن به تفاوت و تنوع شرایط اجتماعی - فرهنگی حاکم بر محیط اجرای برنامه (از دیدگاه کارگزاران) موفقیت‌اندکی داشته است. نتایج مطالعات عمادی و میرزایی (۱۳۸۱) و حیدری (۱۳۸۲) با یافته فوق همسویی دارد و آن را تأیید می‌کند. عمادی و میرزایی بر این باورند که نبود خط مشی کلان و بلند مدت، ترویج را دچار پراکندگی در امور و توزیع نامناسب امکانات و سرمایه‌ها کرده است. احمدوند و همکارانش نیز این نتیجه را تأیید نموده و عقیده دارند؛ امروزه یکی از مشکلات ترویج این است که فاقد شرح وظایف و اهداف مختص به خود بوده و فعالیت‌های آن غالباً بر اساس سلايق افراد انجام می‌پذیرد

نسبت به استفاده از روش‌های متنوع آموزشی و روش‌های مشارکتی مخاطب محور توجه داشته است. ویژگی فعالیت‌های ترویجی نظام را تنها ۱۲/۲ درصد افراد، ضعیف ارزیابی نموده اند. البته یافته‌های احمدوند و همکاران (۱۳۸۴) با یافته فوق همسویی چندانی ندارد و آنها معتقدند در شرایط نابرابری اجتماعی، ترویج به وسیلهٔ نخبگان محلی و کشاورزان برخوردار کنترل می‌شود و کارشناسان ترویج و کشاورزی نیز ترجیح می‌دهند بیشتر به نیازهای آنان توجه نمایند. بنابراین به عقیده آنها، باید برای به دست گرفتن کنترل توسط کشاورزان کوچک‌تر، به صورت سازماندهی شده تلاش کرد.

در نهایت یافته‌ها نشان داد که، بیش از نیمی از کارگزاران (۵۷/۵٪)، وضعیت کلی نظام ترویج ایران را در حد متوسط و دارای موفقیت ناچیز ارزیابی نموده‌اند و ۱۴/۲ درصد وضعیت کلی نظام ترویج کشاورزی ایران را در حد خیلی موفق بیان کرده‌اند.

در بررسی کلی نظام ترویج ایران از دید کارشناسان، اکثریت آنان (۸۳/۸ درصد) ابراز کرده‌اند نظام ترویج نیاز به بازنگری اساسی دارد. ۱۵/۵ درصد افراد نیز اصلاحات جزئی را برای نظام ترویج خواستار شده‌اند. این در حالی است که تنها یک نفر شرایط موجود نظام ترویج را مطلوب دانسته است (جدول ۴). نتایج مطالعات اسدی روستایی (۱۳۸۰) با یافته فوق همسویی دارد و آن را تأیید می‌کند در این تحقیق به منظور پیش بینی تغییراتی که هر یک از متغیرهای مستقل مورد تحقیق برای متغیر وابسته تعیین می‌کنند، تجزیه و تحلیل رگرسیون چند گانه به روش حذف پس رو (Backward Elimination Method) مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج نشان می‌دهد که از بین پنج متغیر مستقل وارد شده در مدل، متغیرهای سابقه کار، سن افراد و رضایت شغلی آنان در پیش بینی متغیر وابسته (دیدگاه کارگزاران نسبت به وضعیت نظام ترویج ایران) تأثیر داشته است. از بین این متغیرها نیز، متغیر رضایت شغلی دارای بالاترین همبستگی با متغیر وابسته می‌باشد. از طرفی، رابطه بین متغیر مستقل سن افراد با دیدگاه کارگزاران نسبت به نظام

ارزشیابی در راستای اصلاح برنامه‌ها و فعالیت‌های آتی و همچنین به گزارش گیری مستمر و حضور نیروهای ستادی در استان‌ها برای نظارت مستقیم بر اجرای برنامه‌ها اهمیت چندانی داده نمی‌شود و نظام ترویج با توجه به این شاخص‌ها در حد متوسط قرار دارد. شیرزاد نیز عقیده دارد طراحی یک مکانیزم بازخورد اطلاعاتی متناسب و یک فرایند نظارتی و ارزیابی مطلوب در مجموعه دفاتر ترویج امری ضروری است. البته در وضعیت متعارف، نوعی بازدید و گزارش گیری وجود دارد، ولی هنوز با آنچه که شایسته یک نظام پایش و ارزشیابی متعالی است، فاصله داشته و برای رسیدن به آن، اصلاحات دامنه دار و مستمری لازم است (شیرزاد، ۱۳۸۵).

بیش از ۶۰٪ کارگزاران، نظام ترویج را در برقراری پیوند با سایر مؤسسات و نهادها در حد متوسط و یا دارای موفقیت ناچیز ارزیابی نموده‌اند. برای بررسی وضعیت نظام در رابطه با این شاخص، پیوند ترویج با تحقیقات کشاورزی، دانشکده‌ها و آموزشکده‌های کشاورزی، تشکلهای خدماتی، تشکلهای مرتبط با توزیع نهاده‌ها، مؤسسات بازاریابی، سیاستگذاران بخش. کشاورزی و صندوق بیمه محصولات کشاورزی مورد ارزیابی قرار گرفت. تنها ۱۰٪ افراد، نظام ترویج را در برقراری پیوند با مؤسسات و نهادهای مذکور خیلی موفق ارزیابی نموده‌اند. یافته‌های مطالعات قمر (Qamar, 2001) و ملک محمدی و امیرانی (۱۳۷۳) این نتیجه را تأیید می‌کند. عمادی و میرزایی نیز معتقدند علیرغم تأکید بر اهمیت وجود چنین پیوندهایی، ضعف ارتباطات نظام‌مند و قواعد و فرهنگ همکاری چندجانبه و مشارکت زیربخش‌های مختلف توسعه کشاورزی و عدم انطباق کامل برنامه‌ها، پیام‌های ترویجی و تکنیک‌های فنی توصیه شده با نیازهای کشاورزان، از مسائل و مشکلات نظام کنونی ترویج کشاورزی ایران می‌باشد (عمادی و میرزایی، ۱۳۸۱).

بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۳/۳٪) وضعیت فعالیت‌های ترویجی را در حد خوب و خیلی خوب ارزیابی نموده‌اند و این نکته قابل توجهی است. بدین معنی که از دیدگاه کارگزاران، نظام فعلی ترویج به لحاظ پوشش آموزشی و ترویجی کلیه مخاطبان بالقوه (زنان و جوانان روستایی، تولید کنندگان خرده‌پا، بهره‌برداران تجاری، کشاورزان پیشرو و عاملان ترویجی) موفقیت زیادی کسب نموده و

جدول ۳- توزیع فراوانی افراد بر حسب دیدگاه نسبت به مؤلفه های نظام ترویج ایران

سطح دیدگاه	ضعیف	متوسط	خوب	خیلی خوب	جمع
برنامه ریزی	۳۴	۵۱	۳۴	۲۰	۱۳۹
درصد	۲۴/۵	۳۶/۷	۲۴/۵	۱۴/۴	۱۰۰
ساختار تشکیلاتی	۲۸	۴۸	۵۲	۱۶	۱۴۴
درصد	۱۹/۴	۳۳/۳	۳۶/۱	۱۱/۱	۱۰۰
ارزشیابی و نظارت	۳۳	۵۲	۳۹	۱۹	۱۴۳
درصد	۲۳	۳۶/۳	۲۷/۳	۱۳/۲	۱۰۰
پیوند با سایر مؤسسات	۲۳	۶۶	۴۰	۱۴	۱۳۹
درصد	۱۶/۵	۴۶/۲	۲۸/۷	۱۰	۱۰۰
فعالیت های ترویجی	۱۷	۵۱	۵۱	۲۵	۱۳۹
درصد	۱۲/۲	۳۵/۴	۳۵/۴	۱۷/۹	۱۰۰
دیدگاه کلی نسبت به نظام ترویج	۲۶	۴۷	۳۶	۱۸	۱۲۷
درصد	۲۰/۵	۳۷	۲۸	۱۴/۲	۱۰۰

جدول ۴- ارزیابی کلی نظام ترویج از دیدگاه کارشناسان (n=۱۴۷)

وضعیت نظام	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
نیازمند بازنگری اساسی	۱۱۹	۸۳/۸	۸۳/۸
نیازمند بازنگری جزئی	۲۲	۱۵/۵	۹۸/۸
مطلوب	۱	۱/۲	۱۰۰
جمع	۱۴۲	۱۰۰	-

نتیجه گیری و پیشنهادها

برای سنجش ویژگی های نظام ترویج ایران از پنج شاخص: برنامه ریزی، ساختار تشکیلاتی و اجرایی، ارزشیابی و نظارت، پیوند ترویج با سایر مؤسسات و فعالیت های ترویجی استفاده شده است. یافته های حاصل از جدول ۲ نشان می دهد که از دیدگاه کارگزاران ترویج، فقط شاخص فعالیت های ترویجی (میانگین = ۳/۱۰) دارای وضعیت خوب بوده و سایر ویژگی ها در سطح متوسط قرار دارند. همچنین یافته های حاصل از مقایسه میانگین های پنج مؤلفه مذکور نشان می دهد که موفقیت نظام ترویج ایران در

رابطه ای منفی است و نشان می دهد که هر چه میزان سن کارگزاران بالاتر رفته، دیدگاه آنان نسبت به وضعیت نظام ترویج نامساعدتر شده است. لازم به ذکر است که این سه متغیر در مجموع می تواند ۳۳/۳ درصد از دیدگاه کارگزاران را نسبت به وضعیت نظام ترویج کشاورزی ایران پیش بینی کند و عبارتی دیگر واریانس مشترک بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل سابقه کار، سن افراد و رضایت شغلی آنان، ۳۳/۳ درصد می باشد و مابقی مربوط به اثرات سایر عواملی است که در این تحقیق امکان برآورد آنها وجود نداشته است.

نداشته است. بدین معنی که کارگزاران ترویج، در پیوند بین نظام ترویج و مؤسسات بازاریابی و پیوند با سیاستگذاران بخش کشاورزی بسیار ضعیف عمل کرده یا اصلاً ارتباطی برقرار نکرده است.

در ارزیابی کلی نظام ترویج ایران حدود ۸۴ درصد کارگزاران، بازنگری اساسی در نظام ترویج ایران را تأیید نموده و حدود ۱ درصد آنان نیز وضعیت موجود نظام را مطلوب ارزیابی نموده‌اند در حالی که ۲۲ نفر (۱۵/۵٪) از کارشناسان، نظام ترویج ایران را نیازمند بازنگری و اصلاحات جزئی دانسته‌اند. لذا بر اساس یافته‌های این پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱- به منظور بازنگری و اصلاح نظام ترویج ایران بایستی توجه ویژه‌ای به امر برنامه‌ریزی و جلب مشارکت بهره‌برداران در تدوین برنامه‌ها و توجه به نیازهای آموزشی آنها مبذول شود و نسبت به تدوین راهبرد ملی و اهداف فراگیر برای نظام ترویج ایران اقدامات شایسته بعمل آید.

۲- برای خدمات دهی مناسب به کشاورزان، برقراری پیوند با تشکلهای خدماتی کشاورزان، تشکلهای مرتبط با توزیع نهاده‌ها، صندوق بیمه محصولات کشاورزی و مؤسسات بازاریابی از اقدامات ضروری است که بایستی بدان توجه نمود.

۳- لازم است ارزشیابی برنامه‌ها در حین اجرا و ارزشیابی پیامد اجرای برنامه‌ها را در جهت شناسایی نقاط قوت و ضعف و اصلاح برنامه‌ها و فعالیت‌های آتی با جدیت بیشتری در نظام ترویج پیاده نمود.

۴- گزارش‌گیری مستمر در جهت بهبود برنامه‌ها و حضور نیروهای ستادی در استان‌ها برای نظارت مستقیم بر اجرای برنامه‌ها، از جمله اقدامات نظارتی است که بایستی توجه خاصی به آنها مبذول گردد.

هر یک از مؤلفه‌های مورد سنجش از دیدگاه کارگزاران ترویج به شرح زیر اولویت بندی شده است:

- ۱- فعالیت‌های ترویجی؛
- ۲- ساختار تشکیلاتی و اجرایی؛
- ۳- ارزشیابی و نظارت؛
- ۴- پیوند با سایر مؤسسات؛ و
- ۵- برنامه ریزی.

بنابراین از دیدگاه کارگزاران، نظام ترویج در فعالیت‌های ترویجی بیشترین موفقیت و در برنامه‌ریزی کمترین میزان موفقیت را داشته است. این در حالی است که فعالیت‌های ترویجی با اختلاف میانگین بالاتر نسبت به بقیه مؤلفه‌ها در وضعیت بهتری بوده و سایر مؤلفه‌ها با اختلافات جزئی در میانگین‌ها در وضعیت متوسطی قرار گرفته‌اند. از دیدگاه کارگزاران ترویج، شاخص فعالیت‌های ترویجی دارای وضعیت بهتری نسبت به سایر ویژگی‌های نظام بوده و در سطح خوب قرار دارد. با توجه به این مطلب نتیجه می‌گیریم که از دیدگاه کارگزاران نسبت به پوشش آموزشی و ترویجی مناسب گروه‌های مختلف هدف و استفاده از روش‌های متنوع آموزشی و تناسب محتوای برنامه‌های آموزشی با فعالیت‌های زراعی جاری کشاورزان در نظام ترویج ایران توجه مناسبی مبذول شده و نظام ترویج در شاخص‌های مذکور فعالیت بهتری داشته است. همانطور که مشاهده می‌شود برنامه ریزی در رتبه آخر قرار دارد و این مطلب می‌تواند بدلیل عملکرد ضعیف نظام در تدوین راهبرد ملی و اهداف فراگیر برای نظام و همچنین عدم تشکیل نهادهای نیازسنجی محلی و عدم جلب مشارکت کشاورزان در تدوین برنامه‌ها نتیجه‌گیری شده باشد. شاخص‌های مورد سنجش در مؤلفه پیوند با سایر مؤسسات و نهادها نیز در وضعیت مناسبی قرار

منابع مورد استفاده

- آدامز، ام. ای. (۱۳۷۸). ترویج کشاورزی در کشورهای در حال توسعه. (مترجم: الف. ملک محمدی). تهران: نشر آموزش کشاورزی.
- احمدوند، م.، شریف زاده، م.، و شاه ولی، م. (۱۳۸۴). آینده ترویج و روندهای آن؛ یک فرا تحلیل. مجله روستا و توسعه، شماره ۲، ص ۸۵-۱۰۴.

- اسدی روستایی، س. (۱۳۸۰). وضع عمومی نظام ترویج کشاورزی ایران براساس مدل AGIL پارسونز. نشریه دهاتی، شماره ۵۲، ص ۸-۱.
- اسکندری، ف. (۱۳۸۰). بررسی مکانیزم‌های ارتباطی موجود میان تحقیق و ترویج از دیدگاه کارشناسان تحقیق و ترویج حوزه مرکزی سازمان تات و سازمان کشاورزی استان تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران: تهران.
- امیرانی، م. (۱۳۸۱). طراحی نظام جدید ترویج کشاورزی ایران. مجله ماهنامه جهاد، شماره ۲۴۸، ص ۱۲۳-۱۳۹.
- برنامه توسعه سازمان ملل متحد. (۱۳۷۶). ترویج کشاورزی. (مترجمین: م. حسینی و م. چیدری). زنجان: انتشارات دانشگاه زنجان.
- حیدری، ع. (۱۳۸۲). مطالعه تطبیقی عاملین ترویج در رهیافت های غالب تجربه شده در ایران بمنظور ارائه الگوی مناسب ساختار پرسنلی نظام ترویج کشاورزی کشور. رساله دکتری، دانشکده کشاورزی. دانشگاه تهران: تهران.
- دانشوری، الف. (۱۳۸۴). سیر تحول و تطول ترویج کشاورزی. جزوه چاپ نشده. تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
- دبیرخانه تدوین طرح جامع نظام ترویج ایران. (۱۳۸۱). خلاصه طرح جامع نظام ترویج. جزوه چاپ نشده. تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
- زمانی پور، الف. (۱۳۸۰). ترویج کشاورزی در فرآیند توسعه. (چاپ دوم). مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد. (۱۳۷۰). مرجع ترویج کشاورزی. (مترجمین: الف. شهبازی و الف. حجاران). چاپ اول. تهران: سازمان ترویج کشاورزی.
- سوانسون، ب. ی.، بنتز، ر. پ.، و سافرانکو، الف. ج. (۱۳۸۱). بهبود ترویج کشاورزی. (مترجمین: غ. صالح نسب، ر. موحدی و الف. کرمی دهکردی). چاپ اول. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و نظام بهره برداری.
- شریف زاده، الف. (۱۳۸۱). ایستار سنجی قابلیت ترویج تخصصی در قیاس با ترویج عمومی (دولتی و خصوصی) در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران: تهران.
- شعبانعلی فمی، ح.، رضایی، م.، و رستمی، ف. (۱۳۸۳). چالش ها و راهبردهای بهسامانی نظام های ترویج کشاورزی در آسیا. مجله ماهنامه جهاد، ۲۶۲، ص ۸-۳.
- شیرزاد، ح. (۱۳۸۵). در جستجوی رهیافتهای بدیل مدیریت هدفمند تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی ایران. مجله ماهنامه جهاد، شماره ۲۷۱، ص ۲۵-۱۳.
- صدیقی، ح.، و روستا، ک. (۱۳۸۲). بررسی عوامل تأثیر گذار بر دانش کشاورزی پایدار ذرت کاران نمونه استان فارس. مجله علوم کشاورزی، جلد ۳۴، شماره ۴، ص ۹۲۵-۹۱۳.
- عمادی، م.، و میرزائی، ع. (۱۳۸۱). کلیات طرح جامع نظام ترویج و آموزش کشاورزی. جزوه چاپ نشده. تهران: دبیرخانه طرح جامع نظام ترویج و آموزش کشاورزی.
- کرمی دهکردی، الف. (۱۳۷۷). بررسی دیدگاه متخصصین و کارشناسان داخلی نسبت به نظام ترویج مطلوب ایران. مجله ماهنامه جهاد شماره ۲۱۳-۲۱۲، ص ۱۱۵-۱۰۸.
- کلانتری، خ. (۱۳۸۲). تجزیه و تحلیل آماری SPSS تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- معاونت ترویج و نظام بهره برداری وزارت جهاد کشاورزی. (۱۳۸۴). ارکان هفت گانه ترویج کشاورزی و وضعیت موجود در ایران. تهران: انتشارات وزارت جهاد کشاورزی.
- ملک محمدی، الف. (۱۳۸۰). بررسی ماهیت فعالیت ها، ویژگی های ساختی نظام و میزان تأثیر ترویج در توسعه کشاورزی از دیدگاه خبرگان ترویج. نشریه مزرعه، شماره ۴۵، ص ۱۸-۱۲.
- ملک محمدی، الف.، و امیرانی، م. (۱۳۷۳). جزوه چاپ نشده. تهران: ستاد طرح تدوین نظام ترویج کشاورزی ایران.

منفرد، ن. (۱۳۸۳). سازه های مؤثر بر موفقیت طرح های مشترک تحقیقی ترویجی وزارت جهاد کشاورزی. نشریه علمی - تحقیقی علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۲۰، ص ۳۴-۲۰.

- Anonymous. (2004). Institution building to strengthen agriculture extension. Twenty-seventh FAO Regional Conference for Asia and the Pacific. China.
Available on the: <http://www.fao.org/DOCREP/MEETING/007/J1700e/HTM>.
- Bonnal, J. (1998). *Challenges to Decentralization of Agricultural Extension*. Rome: Food and Agriculture Organization of the United Nations.
- Jones, G. E., & Garforth, V. (1997). The history, development and future of agricultural extension. In: B. E. Swanson, R. P. Bentz & A. J. Sonfranko (eds.), *Improving Agricultural Extension: A Reference Manual*, pp. 3-13. Rome: Food and Agriculture Organization of the United Nations.
- Karbasioun, M., & Mulder, M. (2004). HRM and HRD in Agricultural Extension Organizations in Iran: A review of literature. Proceedings of the 20th Association for International Agriculture and Extension Education Annual Conference, Dublin, Ireland. pp. 13-25.
- Krejcie, R. V., & Morgan D.W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30, 608-610.
- Qamar, K. (2001). *Restructuring and Strengthening the National Agricultural Extension System in Islamic Republic of Iran*. Rome: FAO Regional Case Study Publication.
- Scrimgeour, F. (1993). Future directions for extension: Where to from here. In the Australia – Pacific Extension Conference, October 12-14. Queensland: Australia.
- Rivera, W. M., & Alex, G. (2004). The continuing role of government in pluralistic extension systems. Proceedings of the 20th Association for International Agriculture and Extension Education Annual Conference. Dublin: Ireland. pp. 338-350.
- Tuttle, S., Lindner, J. R., & Dooley, K. E. (2006). Historical and current extension systems in Dr. Arroyo, Northeastern Mexico. Proceedings of the 22nd Association for International Agriculture and Extension Education Annual Conference. Clearwater Beach: Florida. pp. 18-25.
- Van den Ban. A. W. (1998). Supporting farmers' decision-making by agricultural extension. *Journal of Extension Systems*, 14, 55-67.
- Willett, A., Zijp, W., & Feder, G. (2003). *Agricultural Extension: Generic Challenges and Some Ingredients for Solutions*. Washington, D.C.: World Bank, Working papers no. 2129.